

اهمیت نقش عشایر مرزنشین در مناطق استراتژیک (مطالعه موردی: عشایر ایل شاهسون استان اردبیل)

پریچهره شاهسون^۱

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۷/۳۰

چکیده

در این مقاله، نویسنده کوشش کرده است که حتی المقدور، خالی از هرگونه ذهنیات و پیشداوری‌ها، دشواری‌های اجتماعی - اقتصادی ایل مذکور را بررسی نماید. با توجه به اهمیت استراتژیک منطقه، این بررسی‌ها، نه بر سبیل درمان قطعی دردهای این ایل، بلکه به صورت پیشنهاداتی عرضه شده است. مقاله مورد بحث، ضمن بیان خلاصه‌ای در بررسی‌های مربوط به تاریخچه ایل شاهسون، گسترشگاه ایل و ویژگی‌های اکولوژی آن، اشاره‌ای به مختصات جمعیت‌شناسی، تکیه اصلی بر تأثیر سیاست اجرایی دولت قبل و بعد از انقلاب در چگونگی ساختار ایل، اثر شرکت کشت و صنعت مغان پارس آباد در شکنندگی ساختار ایلی، تأثیر و تأثر از کشور همسایه جمهوری آذربایجان در مسایل مختلف ایل شاهسون، تأسیس پایگاه نظامی آمریکا در جمهوری آذربایجان و اثر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و بالتبع اهمیت مرزشان که هم مرز با جمهوری آذربایجان مورد بحث قرار گرفته و در پایان پیشنهادات مربوط به حل معضلات فعلی عرضه شده است. روش تحقیق در این پژوهشمیدانی و اسنادی می باشد و سعی شده با توجه به اهمیت استراتژیک منطقه مسئله بررسی گردد.

واژگان کلیدی: ایل - طوایف کرچرو - شاهسون - ییلاق و قشلاق - تخته قایو - استراتژیک - ژئوپولتیک

مقدمه

با توجه به گستردگی خاک ایران و هم مرز بودن با کشورهای مختلف خصوصاً بعد از فروپاشی شوروی موجب تغییر جغرافیایی سیاسی گردید که همین مسئله توجه بیشتری را نسبت به جمعیت‌های مرزنشین و ایلات کشور می‌طلبد.

ایلات مرزی ایران هم چون ایل شاهسون - کرد - بلوچ در همسایگی کشورهای آذربایجان - ترکیه - عراق - پاکستان قرار دارند و از منظر استراتژیک نقش مهمی در طی قرون متمادی مرزبانی کشور را به عهده داشته‌اند. در حال حاضر نیز با توجه به تغییرات و تحولات اجتماعی، تکنولوژی این تصور ایجاد می‌شود که ایلات نمی‌توانند همانند گذشته کارآئی استراتژیک داشته باشند. اما هنوز هم افراد غیور و وابسته به وطن اصلی خود می‌توانند نقش مرزبانی به عنوان پدافند داشته باشند.

با توجه به تغییرات جدید ژئوپولیتیک منطقه در کلیه مطالب این پژوهش با تأکید بر موقعیت استراتژیک ایل مورد بحث که شامل مباحثی از قبیل تاریخچه - گسترگاه - جمعیت - معضلات ایل قبل و بعد از انقلاب کوشش شده است که اهداف این تحقیق با توجه به شرایط فعلی منطقه منطبق باشد که جنبه واقعی کاربردی آن حتی المقدور شفاف نمایانگر شود.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله، در درجه اول بر پایه بررسی‌های میدانی پژوهشگر، به‌عنوان عضوی از ایل مذکور، قرار دارد. همچنین، از مراجع و مأخذ و اسناد موجود^۱ و آرشیو سازمان امور عشایری هم استفاده شده است که به‌طور خلاصه می‌توان گفت که روش‌های تحقیق به کار رفته در این پژوهش عبارتند از:

۱) گردآوری داده‌های موجود

۲) مراجعه به منابع، مأخذ و اسناد

۳) پرسشگری (پرسشنامه‌های باز و بسته)

۴) مشاهده و تحقیقات میدانی

۵) مصاحبه با افراد کوچنده و تخته قاپو و دست‌اندرکاران امور عشایری

۶) سایر روش‌ها: عکس‌برداری، ضبط صوت، استفاده از فیلم و غیره.

۱-۱ تاریخچه: اشاره‌ای مختصر به تاریخچه ایل شاهسون

کلیه نوشته‌ها و اسناد تاریخی نشانگر آن است که ریشه ایل شاهسون به طوایف چادرنشین و ترکمانان وابسته به ترک‌های غز (Ghoz) است که از دوران گذشته در نواحی شرقی دریای خزر به زندگی چادرنشینی و شبانکاره مشغول بوده‌اند. شاید بتوان علت مهاجرت ترکان غز را به دو دلیل اکولوژیک و سیاسی در نظر گرفت (شاهسون پ.، ۱۳۷۰، ص ۲۴-۲۳، سازمان عشایری).

الف) عامل اکولوژیک: منطقه که در رابطه با نحوه نظام اقتصاد شبانی نقش مهمی داشته است و احتمالاً طوایف ایل به دلیل خشک‌سالی و برای جستجو مراتع جدید به طرف غرب دریای خزر رهسپار شدند.^۱

ب) عامل سیاسی: اقوام غز در اثر چالش‌های سیاسی منطقه و اختلافات محلی میان قومی مهاجرت نمودند. طوایف غز و سلجوقی در دوره جانشینان محمود سر به شورش نهادند و خود را به حوالی کوه‌های سبلان در آذربایجان شرقی رساندند و با مشاهده مراتع بی‌نظیر این خطه عده‌ای در اردبیل و گروه‌هایی در دشت مغان سکونت نمودند و با اهالی آنجا در آمیختند و زبان ترکی (آذری) رایج در این خطه یادگار آن دوران می‌باشد.

خطه آذربایجان چنانچه در تاریخ گردیزی مؤلف کتاب زین‌الخبار آمده از سال ۸۱۰ به دست فرمانروایان ترکمان نژاد اداره شده است به طوری که از سال ۸۱۰ تا ۸۷۲ خاندان قره‌قویونلوها ساکنان دیار بکر در آن مناطق فرمانروا بودند و از سال ۸۷۲ تا ۹۰۸ خاندان آق‌قویونلوها ساکنان شمال دریاچه وان (ترکیه امروز) حکومت می‌کردند و سلطنت آذربایجان را در اختیار خود داشتند و از این هنگام به بعد تیره‌های گوناگونی مانند ترک‌ها، مغول‌ها، قفقازی‌ها و ارامنه در مناطق اردبیل و مغان با هم می‌زیستند و فرمانروایان زیادی در این خطه در ایران زمین حکومت می‌کردند که مقتدرترین آنها، امیرنصر، امین‌حسن بیک ملقب به اوزن‌حسن می‌باشند که در مدت کوتاهی موفق شدند ایالات آذربایجان، عراق عرب، کرمان، فارس، دیار بکر، کردستان و ارمنستان را فتح کند و گرجستان را خراجگزار خود نمایند. نقش خاندان آق‌قویونلو در تشکیل ایل شاهسون حائز اهمیت است.

سیاحان بزرگی همچون باربارو (Barbaro) (جوادی، ص ۱۷) از قدرت سیاسی و اجتماعی آن زمان توصیف‌های زیادی نموده است.

برای درک چگونگی و شکل‌گیری کامل و قدرت ایل شاهسون نیازمند به بررسی پدیده‌های اجتماعی سیاسی است که باعث به وجود آمدن آن شد. از جمله نهضتی که به طرفداری از اولاد علی (ع) که به نام قزلباش معروف می‌باشد در ایجاد سلسله صفوی نقش اساسی داشتند. پس از به سلطنت رسیدن شاهزاده عباس میرزا شالوده اتحاد طوایفی که بعدها به عنوان ایل شاهسون معروف شد شکل گرفت.

با توجه به تحلیل جامعه‌شناختی روحیه پادشاهان می‌توان نتیجه گرفت که شاه عباس برای تعدیل در قدرت قزلباش‌ها از اختلافات دائمی و ناسازگاری که بین طوایف موجود نموده و از طوایف قزلباش و طوایف قوجابلیگ ینصر پاشا اتحادیه ایجاد نمود و اصطلاحات قزلباش و شاهسون بر خلاف نام‌های طوایف دیگر که زائیده یک نظام اقتصادی شبانی یا نیمه شبانی است نام‌گذاری ایل شاهسون یک نام‌گذاری سیاسی می‌باشد و در حقیقت یک شکل سیاسی است از اقوام مختلف (گرجی - کرجسی - ارمبی - ترکان عثمانی - سلجوقیان امپراطوری روم شرقی)

۱ میزان متوسط بارندگی سالیانه از غرب سواحل دریای مازندران ۱۳۴۰ میلیمتر (آستارا در سال‌های ۵۶-۵۵) و به طرف شرق کاهش می‌یابد (تا ۷۲۴ میلیمتر در استان گلستان سال‌های ۵۶-۵۵) در این صورت، این میزان در بیابان‌های شرق دریای مذکور به مراتب کمتر و احتمال خشک‌سالی این نواحی زیادتر است.

گسترشگاه ایل شاهسون

با توجه به سابقه تاریخی این ایل که طوایف آن حداقل به مدت ۲ قرن در ایران فرمانروائی نمودند، طبیعی است که دارای گسترشگاه‌های متعددی بوده‌اند. چنانچه در فرهنگ دهخدا صحبت از طوایف شاهسون که به خارج از ایران رفته‌اند نیز شده است. مقر اصلی این ایل بعد از مهاجرت به ایران منطقه آذربایجان بوده، که در حال حاضر می‌توان گفت که هسته مرکزی این ایل در استان اردبیل می‌باشد که در این استان نیز به شاخه‌های متعددی تقسیم شده‌اند (مانند ۱- شاهسون‌های اردبیل ۲- شاهسون‌های مشکین‌شهر)

از زمان صفویه، خصوصاً شاه‌عباس ایل مورد نظر قدرت دولتی و نظامی بیشتری در دست داشتند و نقش مهم این ایل در مسائل امنیتی، خصوصاً مرزبانی بعد از صفویه خصوصاً از دوران قاجاریه و سپس پهلوی با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی به نقاط مختلف ایران کوچانده شده‌اند که امروزه این ایل در چند نقطه ایران تخته قاپو شده‌اند که مهم‌ترین آنها (۱) شاهسون‌های استان اردبیل و (۲) شاهسون‌های ساوه و همدان می‌باشند که عده‌ای از آنان هنوز به زندگی کوچندگی خود ادامه می‌دهند. بنابراین شاهسون‌ها در دو گسترشگاه مهم تقسیم شده‌اند.

گسترشگاه شاهسون‌های مغان از نظر استراتژیک اهمیت به‌سزایی دارد. این زیستگاه در قسمت شمال شرقی استان اردبیل تقریباً به شکل یک مثلث که راس آن در پارس‌آباد قرار دارد و قاعده مثلث آن بین اردبیل و اهر است که از نظر استراتژیکی حائز اهمیت می‌باشد. قسمت اصلی این منطقه تقریباً به شکل یک پنج ضلعی در دشت مغان و حدوداً در عرض جغرافیایی ۳۹ درجه شمالی و طولی جغرافیایی ۴۸ درجه به مبداء گرینویچ قرار دارد. ضلع جنوبی آن به صورت یک نیم دایره تقریباً از زیوه - دام داباجا می‌گذرد و از جنوب گرمی به مرز ایران (شوروی سابق) و آذربایجان می‌رسد. ضلع شرقی آن خط مرزی از شرق گرمی تا پيله سوار را به‌وجود می‌آورد و بالاخره ضلع شمال غربی آن خطی است مستقیم که از پيله سوار به طرف شمال یا رس‌آباد تا مرز ایران و شوروی سابق (کشور آذربایجان فعلی) ادامه دارد و مساحت تقریبی کل این منطقه در حدود $350/000 = 70 \times 50$ هکتار می‌شود که از نظر جغرافیای سیاسی بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

از دید جوامع گیاهی، به طوری که از مطالب مربوط به ویژگی‌های خاک و اقلیم این منطقه بر می‌آید، این جوامع بیشتر از گیاهان خشکی پسند و گرما پسند تشکیل شده است که می‌توانند با خشکی نسبی منطقه (۲۸۰-۴۰۵ میلیمتر باران) و به ویژه خشکی تابستانه مقاومت نمایند و چون حداقل مطلق حرارت سالیانه از ۵- درجه و ندرتاً ۱۰- درجه سانتیگراد پائین‌تر نمی‌رود این گونه‌ها طبعاً باید جزء گیاهان گرم‌پسند باشند که امید زیست آنها در اقلیم سرد وجود ندارد. (ثابتی، ح. بررسی اقلیم حیاتی ایران - انتشارات دانشگاه تهران)

منطقه بیلاقی ایل شاهسون استان اردبیل (آذربایجان شرقی) قسمت اصلی این منطقه که مراتع شاهسون‌های اردبیل را تشکیل می‌دهد، عبارت است از دامنه‌ها و ارتفاعات کوه سبلان که به شکل نواری غربی - شرقی از غرب اردبیل آغاز می‌گردد و تا کرد قوشه ادامه دارد. این نوار تقریباً در عرض جغرافیایی ۳۸ درجه شمالی و طول جغرافیایی ۴۸ درجه به مبداء گرینویچ قرار دارد و دامنه‌های آن را بلندی‌های کم آغاز می‌گردد و تا بلندی ۴۸۰۰ متر از سطح دریا ادامه پیدا می‌کند (قله ارسباران که در قسمت شرقی این ارتفاعات وجود دارد) مجموع این ارتفاعات از

شمال تا حوالی رود قره سو و از جنوب تا سراب قرار دارد و در قسمت شمالی و جنوبی آن، به ترتیب از جاده اهر - مشکین شهر - اردبیل و جاده سراب - اردبیل می‌گذرد. مساحت این قسمت با تقریب زیاد عبارت است از:

$$۹۰ \text{ km} \times ۲۰ \text{ km} = ۱۸۰۰ \text{ km}^2 = ۱۸۰۰۰۰ \text{ هکتار}$$

علل پراکنش ایل شاهسون

علل پراکنش این ایل را اگر بخواهیم با توجه به ورود اولیه آن (ترکان غز) که حدود هزار سال پیش می‌باشد که از زیستگاه که در شرق دریای خزر در اثر عوامل مختلف (سیاسی، اکولوژیک، اجتماعی، ناسازگاری درون ایلی) به طرف ایران گسیل شده‌اند را در نظر بگیریم، تمام مؤلفه‌های ذکر شده در ایجاد این فرایند دخالت داشته‌اند که طبعاً در ساختار فرهنگی و اجتماعی ایل اثرگذار بوده است.

با بررسی‌های انجام شده شاید علت پراکنش این ایل به نسبت بیشتر از دیگر ایلات به دلیل عوامل سیاسی بوده است که لااقل از دوران آق‌قویونلو که در ایران حکومت داشتند و طبیعتاً برای سلسله‌های دیگر خصوصاً بعد از صفویه مشکل‌ساز بود و از آنان فرمانبرداری نمی‌کردند و همیشه ترسی از این نیروی منسجم و سلحشور برای پادشاهان وقت وجود داشته و خصوصاً این خصومت بعد از عهدنامه‌های ترکمانچای و گلستان که اراضی اصلی و مقر ایل شاهسون بود از دست دادند به گونه‌ای که این ایل تقریباً به حالت متلاشی شده تبدیل گردید و از آن تاریخ به بعد شاهد مهاجرت‌های اجباری این ایل می‌باشیم که آخرین کوچ اجباری در زمان ناصرالدین شاه در مورد طوایف راحت‌لو (شاهسون پ. ۱۳۷۰، ص ۳۸-۳۷ سازمان عشایری) انجام شد که به طرف زرنند و ساوه کوچانده شده‌اند.

در زمان سلسله پهلوی نیز با توجه به سیاست تخته قاپو کردن ایلات ایل شاهسون نیز از این مورد مستثنی نبوده است و از سال ۱۳۲۸ به بعد منطقه با توجه به هم‌مرز بودن با اتحاد جماهیر شوروی سابق مورد توجه خاص دولت قرار می‌گیرد و دولت مزبور سعی داشته ساختار ایلی آنجا را در هم بشکند و از قدرت منطقه‌ای ایلات کاسته و همچنین پایگاه امنی در مرز داشته باشد و در این دوره علاوه بر تضعیف قدرت عشایر اشتباهات عمده دیگری که شاید عمدی یا غیرعمدی بوده از طرف طراحان اصلاحات اراضی انجام می‌گیرد که این اصلاحات نه تنها سودآور نبود بلکه یکی از پایه‌های اساسی فروپاشی سلسله پهلوی را از بعد اقتصادی و اجتماعی ایجاد نمود و در حقیقت جامعه از یک عدم توازن در جهت توسعه متأثر گردید و اختلافات فاحشی بین طبقات عشایری - روستایی - شهری بوجود آمد و در حقیقت از بعد سیاسی، کشور عشایر مرزنشین خود را که وابستگی به سرزمین نیاکانشان را داشتند از دست داده و بعد از فروپاشی شوروی سابق و ایجاد کشورهای کوچک از جمله کشور آذربایجان، مسئله امنیتی نیز به آن افزوده شده است. موقعیت بسیار حساس استراتژیک منطقه و عدم توجه به بهبود وضعیت ساکنان آن و پراکنده شدن عشایر مرزبان همانطور که تاپر محقق و عشایر شناس انگلیسی متعقد است یکی از مهمترین ساختارهای ایلی ایران فرو ریخت و مناطق استراتژیک تقریباً خالی از سکنه وابسته به آن سرزمین شد.

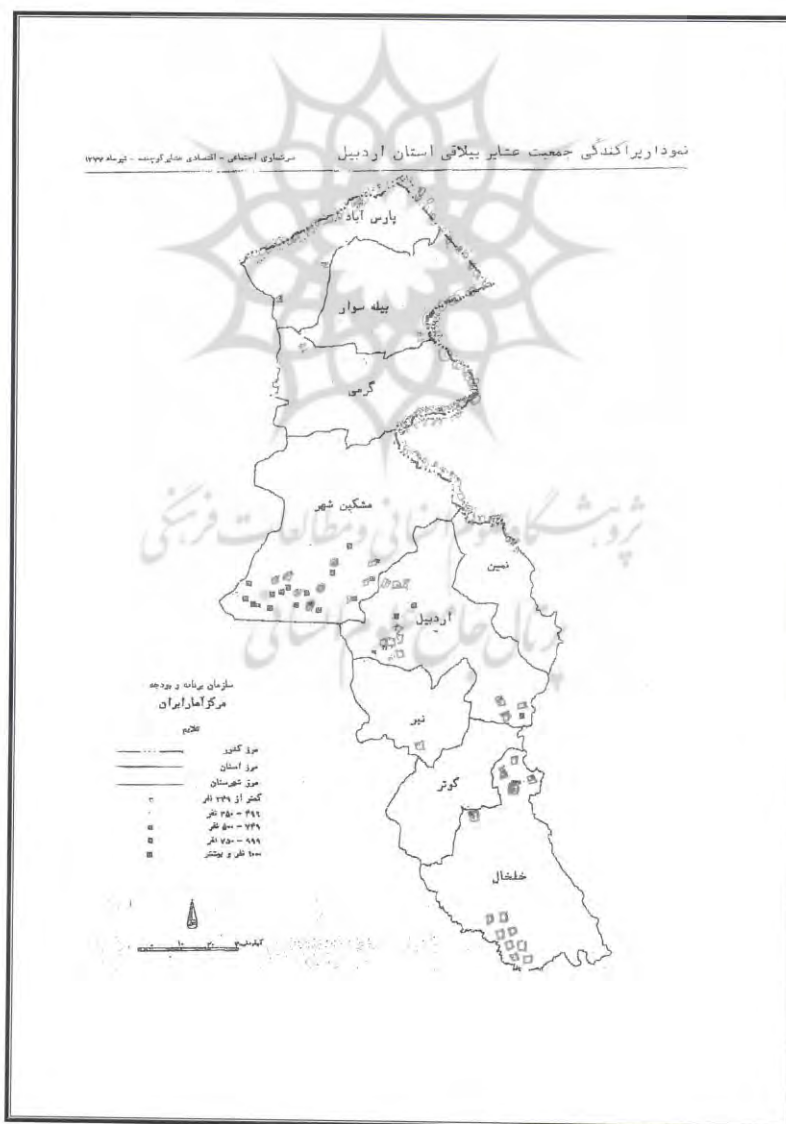
از بعد اقتصادی نیز شاهد رکود فعالیت‌های دامداری بوده که باعث کاهش پروتئین حیوانی کشور شد و متأسفانه باری بر بار مشکلات اقتصادی کشور افزوده گردید.

طبق بررسی های انجام شده در سال ۱۳۸۸ توسط سازمان عشایری استان اردبیل اغلب مسیرهای اصلی و فرعی ایلراه‌های عشایر با استفاده از دستگاه GPS تهیه گردید که این مسیرها برحسب شهرستان در جدول ذیل ارائه شده است.

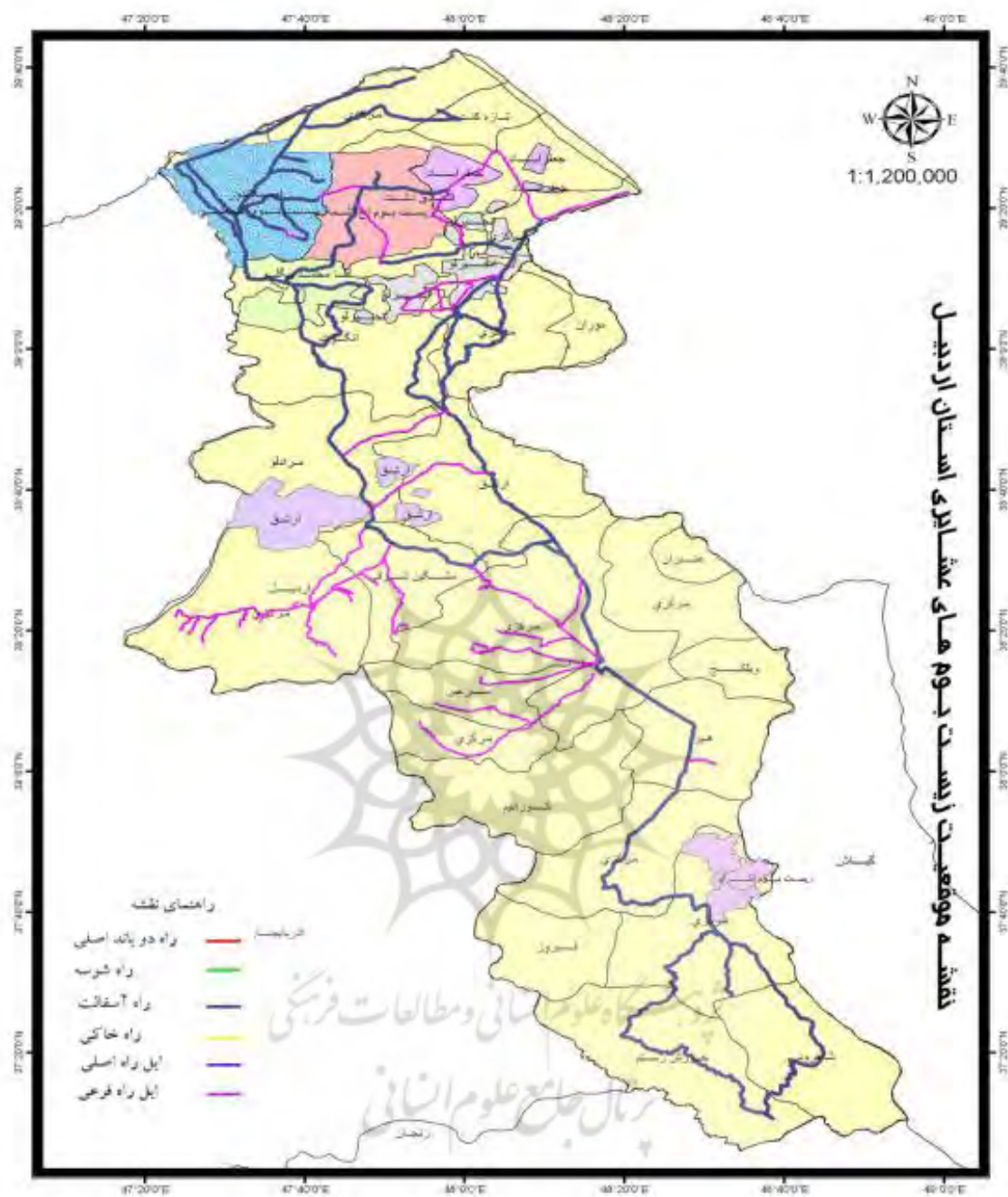
جدول شماره ۱- مسیر ایلراه های اصلی و فرعی برحسب شهرستان با استفاده از GPS (واحد به کیلومتر)

شهرستان	ایلراه اصلی	ایلراه فرعی	مجموع
اردبیل	۱۶۵ و ۳	۲۵۱ و ۶	۴۱۶ و ۹
خلخال	۲۰۹ و ۸	۱۵ و ۸	۲۲۵ و ۶
* پارس آباد	۱۰۹ و ۳	۱۶۷ و ۹	۲۷۷ و ۲
* گرجی	۴۰ و ۹	۳۰ و ۶	۷۱ و ۵
* نیله سوار	۹۴	۹۶	۱۹۰
مشگین	۷۶ و ۳	۶۶ و ۹	۱۴۳ و ۲
مجموع	۶۹۵ و ۶	۶۲۸ و ۸	۱۳۲۴ و ۴

که مناطق پارس آباد - گرجی - نیله سوار از نظر استراتژیک حائز اهمیت می‌باشند.

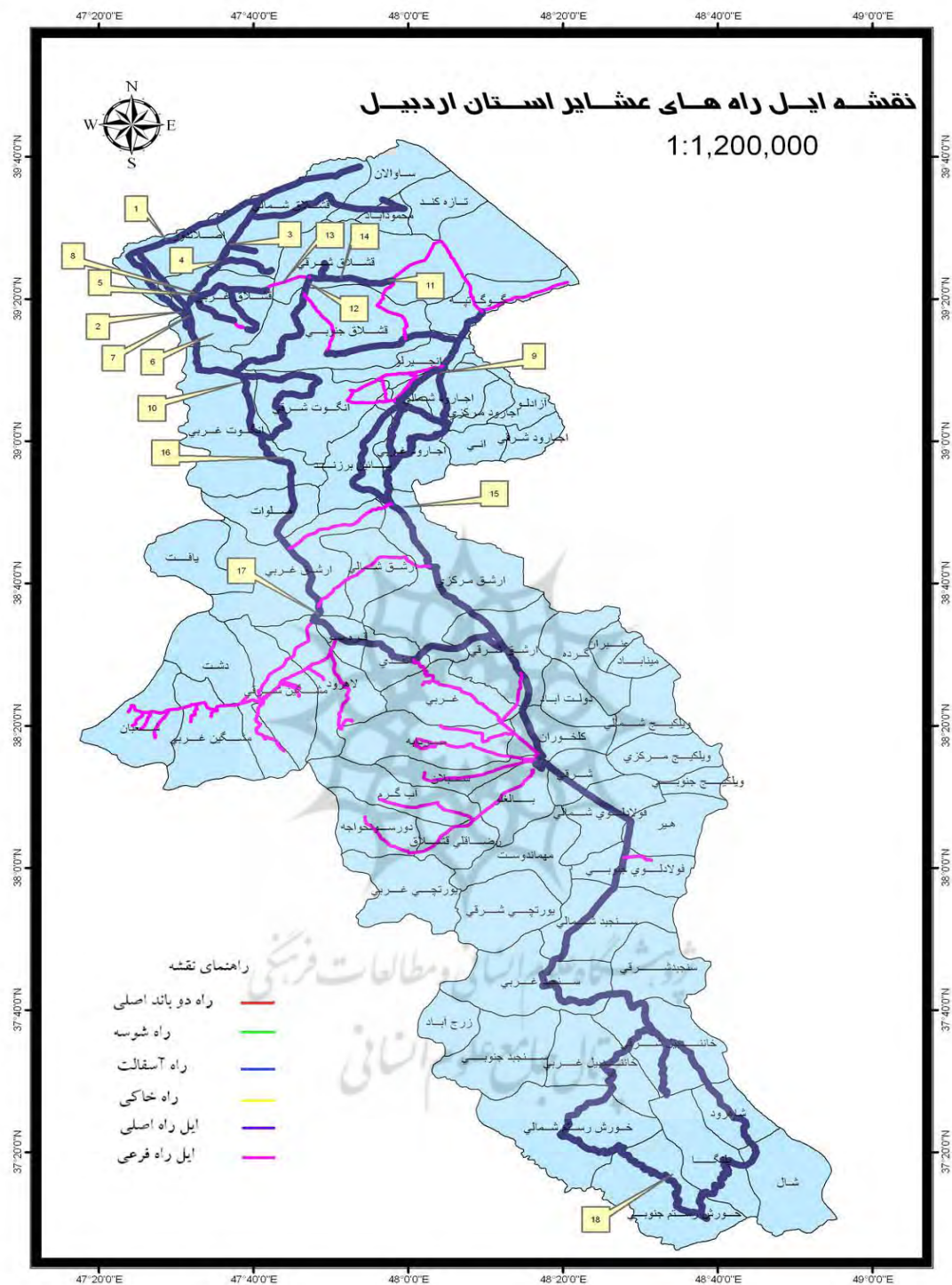


نقشه شماره ۱ منبع : سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران



نقشه شماره ۲

منبع : سازمان امور عشایری استان اردبیل



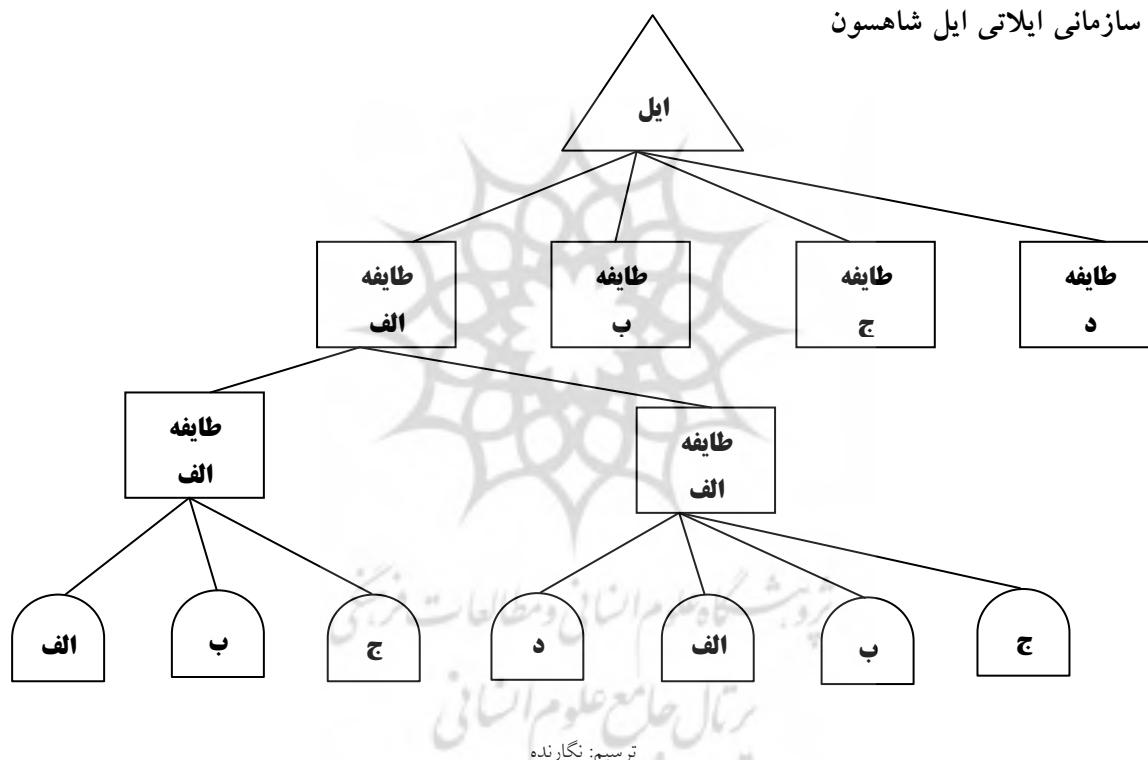
نقشه شماره ۳

منبع : سازمان امور عشایری استان اردبیل

ساختار اجتماعی ایل شاهسون

اصولاً در طوایف کوچروی ایل مورد مطالعه مانند ایلات دیگر خانوار کوچک‌ترین واحد سازمانی ایل است که از دیدگاه اقتصادی، واحدی است که بر پایه‌های تولیدی، توزیعی و مصرفی بنا گشته است و این ساختار بر پایه تولیدات دامی قرار دارد و ازدواج علاوه بر جنبه‌های عرفی، غریزی، دینی و اجتماعی به عنوان مهم‌ترین هسته تولید ایلی حائز اهمیت بسیار است، اما شاید به طور ناخودآگاه مهم‌ترین دلیل الزام ازدواج همانا انسجام و تداوم اساسی‌ترین واحد تولیدی ایل و زندگی افراد ابه‌ها و در نتیجه بقای تیره‌ها و طوایف که به آن بستگی تام دارد باشد و کثرت اولاد در خانوار علاوه بر نوعی مباحثات سنتی، جنبه اقتصادی نیز دارد، زیرا طی بازدیدهای به عمل آمده در محل، کودکان از سن ۷ سالگی و حتی کمتر به کار اشتغال دارند و در حقیقت خانواده دارای نیروی کار مجانی می‌باشد که از دید اقتصادی حائز اهمیت است.

نمای سازمانی ایلاتی ایل شاهسون



ترسیم: نگارنده

جمعیت

با توجه به این که تحقیق درباره ساخت جمعیت یک ایل می‌تواند پایه محکمی در جهت مطالعات کاربردی در ابعاد مختلف باشد، اما مسئله آمار و سرشماری جمعیتی در مورد عشایر شاید فاقد جامعیت لازم باشد، و سازمان آمار کشور در این زمینه با مشکلات فراوانی روبرو بوده است. آمارهای سرشماری گذشته (۱۳۳۵ - ۱۳۴۵) درباره عشایر، اغلب مقطعی بوده و از روش سرشماری حاضر^۱ استفاده نموده بدین خاطر باید گفت فاقد جامعیت است، اما از سال ۱۳۶۶ سازمان آمار کشور به روش قانونی^۲ و با دقت بیشتری آمارگیری نموده است که این آمار مربوط به

۱ در این روش از تمام کسانی که در محل حاضر هستند آمار گرفته شد.

۲ در این روش جمعیت طایفه‌ها ولو این که وجود نداشته باشند در نظر گرفته می‌شود

کل عشایر کوچنده کشور می‌باشد. اغلب آمارگیری‌ها در بیلاق انجام می‌گیرد زیرا عشایر در حرکت هستند و به تصور اینکه اکثریت اغلب به بیلاق می‌آیند در این زمان آمارگیری انجام می‌گیرد، اما نمی‌تواند این آمار نیز از قاطعیت کامل برخوردار باشد.

طبق آمار رسمی (مراکز آمار ایران در سال ۱۳۶۶ کل ایلات ایران ۱۱۵۲۰۰۰ نفر می‌باشد (صدا و سیمای ایران ۱۳۶۷/۹/۲۳) ایل شاهسون مقام سوم را احراز می‌کند که فقط جمعیت کوچنده این ایل در استان اردبیل از ۵۸۴۰ خانوار یا ۶۶۸۷۳ هزار نفر تشکیل می‌شود که تعداد ۲۴۴۵۳ نفر تقریباً ۵۴٪ مرد و تعداد ۲۲۴۲۰ نفر یعنی ۴۸٪ زن می‌باشند و نسبت جنسی آن ۱۰۹٪ می‌باشد که رقم محاسبه شده توسط سازمان آمار برای کل عشایر ایران ۱۰۸٪ است و بعد خانوار در حدود ۸ نفر می‌باشد (در بررسی‌های میدان نویسنده بعضی از ابه‌ها مانند ابه حاج عمران طایفه مغالو خانواری به بعد ۱۲ نفر دیده شد).

نرخ رشد سالیانه جمعیت

با در نظر گرفتن مسایلی از قبیل تخته قاپوشدن، شهرگرایی و نوسانات فاحش در جمعیت ایل مذکور تعیین نرخ رشد سالیانه دقیق کار دشواری است و در این بررسی روند کاهش تعداد طوایف کوچرو و در نتیجه تقلیل افرادی که به زندگی کوچروی ادامه می‌دهند، مساله اصلی را تشکیل می‌دهد، نه نرخ رشد سالیانه جمعیت، زیرا کم شدن یا زیاد شدن تعداد جمعیت طوایف کوچرو از منظر نیروی انسانی تولید کننده فرآورده دامی مطرح است.

جمعیت فعلی استان اردبیل

با توجه به وجه تمایزی که جامع عشایری نسبت به سایر جوامع (شهری و روستایی) دارند سرشماری این جامعه به لحاظ شرایط اکولوژیکی و منحصر به فرد در مناطق بیلاقی صورت می‌گیرد. براساس نتایج سرشماری اجتماعی و اقتصادی عشایر کوچنده در مقاطع آماری ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ جمعیت عشایر استان اردبیل در دوره قشلاقی به ترتیب ۴۲۷۶۳، ۷۲۲۱۳ و ۶۶۵۲۱ نفر بوده است همچنین جمعیت عشایر استان اردبیل در همین دوره در دهه‌های آماری فوق به ترتیب ۳/۷، ۵/۵ و ۵/۶ درصد جمعیت عشایر کل کشور را شامل می‌گردد. جدول صفحه بعد روند تغییرات جمعیتی استان را براساس سرشماری عشایری ۱۳۶۶-۱۳۷۷-۱۳۸۷ را نشان می‌دهد.

روند تغییرات تعداد خانوار و جمعیت عشایری استان اردبیل براساس نتایج سرشماری عشایری ۱۳۷۷-۱۳۸۷-

۱۳۶۶

جدول شماره ۲ - روند تغییرات جمعیت استان اردبیل

سال انجام سرشماری عشایری	دوره استقرار	تعداد خانوار	تعداد جمعیت	بعد خانوار	نسبت جنسی	نرخ باسوادی	درصد بیکاری	نرخ رشد دوسرشماری
۱۳۶۶	بیلاق	۳۴۸۲	۲۸۶۶۸	۸/۲	۱۱۴	-	-	-
	قشلاق	۵۲۸۴	۴۲۷۶۳	۸/۱	۱۰۹	-	-	-
۱۳۷۷	بیلاق	۶۶۳۳	۴۵۶۳۸	۶/۸	۱۰۹	۵۹/۰۴	۳۳	۵/۹۲
	قشلاق	۱۰۷۷۸	۷۲۲۱۳	۶/۷	۱۰۷	۵۵/۸	۵۱	۶/۹
۱۳۸۷	بیلاق	۸۱۸۶	۴۳۲۹۶	۵/۲۹	۱۱۰	۶۹	۱/۴	-/۵۱
	قشلاق	۱۲۸۱۸	۶۶۵۲۱	۵/۱۹	۱۰۸	۶۷	۱/۱	-/۸

منبع: مرکز آمار ایران

براین اساس میزان با سواد سیر صعودی داشته ولی نرخ رشد جمعیت در فاصله سال‌های ۷۷-۸۷ سیر نزولی داشته است.

تغییر و تحولات جمعیت عشایری

استان اردبیل در فاصله دو سرشماری ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ با انتزاع قسمت‌هایی از استان آذربایجان شرقی ایجاد شده است. لذا آمار دقیق سرشماری سال ۱۳۶۶ را ندارد بلکه با بررسی جمعیت شهرستان‌ها و طوایف و ایل‌های استان آذربایجان شرقی و تجزیه و تحلیل دوره‌های استقرار عشایر در بیلاق و قشلاق اقدام به تهیه آمار سال ۱۳۶۶ برای استان اردبیل نموده است.

طی دوره آماری ۶۶-۱۳۷۷ جمعیت عشایر استان در قلمرو قشلاقی از ۴۲۷۶۳ نفر در سال ۱۳۶۶ با رشد سالانه ۴/۹ درصد به ۷۲۲۱۳ نفر در سال ۱۳۷۷ افزایش یافته است.

افزایش رشد طبیعی جمعیت:

در دهه ۷۷-۱۳۸۷ جمعیت عشایر استان در دوره قشلاقی از ۷۲۲۱۳ نفر در سال ۱۳۷۷ با رشد منفی سالانه ۰/۸ درصد به ۶۶۵۲۱ نفر در سال ۱۳۸۷ کاهش نشان می‌دهد. (این روند در جمعیت عشایر کل کشور هم اتفاق افتاده است) کاهش جمعیت عشایری استان و کل کشور حاکی از کنترل رشد جمعیت در نتیجه اعمال سیاست‌های کنترل جمعیت و همچنین افزایش روند مهاجرت‌های جامعه عشایری به شهرها و روستا در اثر پایین بودن استانداردهای زندگی در مناطق عشایری به همراه مسائل و مشکلات اجتماعی - اقتصادی از عمده‌ترین دلایل مهاجرت و کاهش جمعیت عشایری در کنار کاهش طبیعی رشد جمعیت است.

با بررسی تغییر و تحولات جمعیت عشایری استان به این نتیجه می‌رسیم که جمعیت عشایری استان نسبت به جمعیت عشایری کل کشور در سه دهه اخیر افزایش یافته است و در مقایسه با جمعیت کل استان در دوره ۶۶-۱۳۷۷ افزایش نشان می‌دهد، اما در دهه ۷۷-۱۳۸۷ کاهش یافته است. به نظر می‌رسد علت کاهش جمعیت عشایری همانند جمعیت روستاییان که در بخش بررسی اجمالی استان اشاره شد محدودیت‌های محیط اجتماعی - اقتصادی و مهاجرت روستائیان و عشایر به شهرها در این مناطق می‌باشد.

تأثیر سیاست‌های اجرایی دولت در قبل و بعد از انقلاب در چگونگی ساختار عشایر منطقه

در طول تاریخ ایران مسئله مهمی که باعث دل‌مشغولی دولتمردان بود، قدرت ایل و ساختار ایلی، اتحاد درون گروهی جمعیت کوچرو و سلحشور به شمار می‌رفت که قرون متمادی این نیروی بالقوه همیشه می‌توانست به صورت بالفعل در جهت عکس خواسته‌های دولتمردان عمل کند. بنابراین قدرت ایلات همیشه می‌توانست نگرانی برای فرمانروایان ایجاد نماید و همین مسئله موجب آن گردید که پادشاهان و فرمانروایان سیاست‌های مختلفی را در جهت کم کردن قدرت ایلات بکار برند از جمله جابجایی جامعه عشایر که آنان را از موطن اصلی خود جدا می‌کردند تا پایه‌های قدرت آنان مستحکم‌تر نشود زیرا ریشه محلی داشتند و در حقیقت یک حالت ملوک الطوائفی وجود داشت و به خاطر علقه‌ای که به موطن خود داشتند منطقه را به شدت محافظت می‌کردند. اما در زمان رضاشاه با شروع مدرن شدن جامعه جهانی، بدین دلیل که ایران نیز باید به طرف مدرنیته برود و ساختار جامعه باید تغییر

پیدا کند اسکان اجباری عشایر شروع می‌شود و تا حدودی نیز موفق می‌شوند و کماکان این سیاست ادامه دارد شاید نه به صورت قهرآمیز آن ولی اسکان عشایر بنا به دلیل توسعه جامعه در رأس سیاست‌گذاری دولت قرار دارد که این مسئله از سال ۱۳۴۱ با شروع اصلاحات ارضی و مدنی نمودن منابع طبیعی بار دیگر با توجه به مشکلات اقتصادی که به وجود آمد، ساختار ایلات درهم ریخت.

در این دوره چون سیاست کلی دولت بر مبنای نوسازی و تغییر ساختار سنتی قرار داشت، ناگزیر مسئله شهرگرایی و توجه بیشتر به این پدیده طبعاً عشایر را نیز تحت تأثیر قرار داد و تمام این سیاست‌های اجرایی دولت در شکنندگی ساختار عشایر تأثیر فراوان داشت، در این صورت یکی از مشکلات اجتماعی طوایف کوچرو شهرگرایی بود که هنوز هم ادامه دارد و این انگیزه نه تنها در طوایف کوچرو بلکه در بین روستائیان نیز دیده می‌شود البته نمی‌توان منکر پویایی جامعه گردید ولی یک جامعه سالم همیشه سعی بر این دارد که نیروهای تولید کننده را حمایت کند و اگر بر جمعیت مصرفی شهرها افزوده گردد، زیان شهرگرایی دو برابر خواهد شد.

کنکاش در مورد ریشه‌یابی انگیزه سیاسی عمران دشت مغان قابل بررسی است. تا سال ۱۳۲۸ دشت مغان منحصراً متعلق به طوایف شاهسون بود و از آن سال به بعد دولت به فکر تأسیس شرکت‌های دولتی می‌افتد که در حقیقت دولت نظر استراتژیک به این منطقه داشته است. با توجه به هم‌مرز بودن با اتحاد جماهیر شوروی سابق مسائل امنیتی و استراتژیک برای دولت بیشتر اهمیت داشته و دولتی کردن منطقه هدف اصلی آن بود. بنابراین در سال ۱۳۲۸ شرکت شیار آذربایجان جهت کشاورزی تأسیس می‌گردد و برای حل مشکل آبرسانی دو کانال T و A توسط شرکت‌های فرانسوی تعبیه می‌شود. بالاخره در سال ۱۳۵۰ اولین شرکت سهامی زراعی مغان در مساحتی حدود ۴۰۰۰ هکتار به وجود می‌آید و در عرض دو سال تا پایان ۱۳۵۲، ۹ شرکت زراعی دیگر تشکیل می‌گردد. احداث این شرکت‌ها ساختار و شیوه معیشتی منطقه را دگرگون می‌کند. مناطقی که سابقاً مراتع دامداری عشایری بود به تراکم‌ترین واحدهای سرمایه‌گذاری تبدیل می‌گردد که مشکلات موجود را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- مشکلات طوایف مانند اجیرو و غیره که سابقاً در محدوده شرکت مذکور زندگی می‌کردند.

۲- عدم تناسب شرایط رفاهی بین کارکنان شرکت و عشایر ساکن

تأثیر و تأثر از کشور همسایه آذربایجان

جمهوری مستقل آذربایجان در غرب دریای خزر و در همسایگی شمال‌غربی ایران واقع شده است.

قلمرو این جمهوری قسمت جنوب شرقی کوه‌های قفقاز بزرگ، قسمت‌های بزرگی از قفقاز کوچک و جلگه کر - ارس (بین دو رشته کوه مزبور واقع شده) و نیز قسمت‌هایی از کوه‌های تالش را در جنوب در بر می‌گیرد. مساحت این منطقه ۸۶ هزار کیلومتر مربع و جمعیت آن ۷.۵۷۴.۰۰۰ نفر می‌باشد.

استقلال آذربایجان در مجاورت ایران دارای دو پیامد است:

(۱) پیامد مثبت که همانا روابط اقتصادی است که بعد از استقلال، رشد چشمگیری نموده است.

(۲) پیامدهای منفی که ریشه در تاریخ گذشته دارد، از جمله جریانات منفی است خصوصاً از دید امنیتی که می‌توان

آن را از دو بعد سیاسی و فرهنگی مورد بررسی دقیق قرار داد.

استان آذربایجان ایران، همانند کردستان و بلوچستان شاهد ظهور و سقوط ایلات قدرتمند بوده، اما به علت پراکنش گروه‌های ایلی، نفوذ اجتماعی - سیاسی و اعمال قدرت سیاسی رهبران ایلات این منطقه کمتر از رؤسای ایلات کرد و بلوچ بوده است، اما با تمام این مطالب، باید دانست که آذربایجان نقش سیاسی فعال‌تری در تاریخ ایران ایفاء نموده و در مقایسه با آن دو منطقه از نظر توسعه اجتماعی - سیاسی، یکی از پیشرفته‌ترین بخش‌های ایران است و شاید علت آن نزدیکی و در مسیر راه اروپا بودن باشد که طبعاً تحت تأثیر فرهنگ اجتماعی و سیاسی آن منطقه قرار گرفته و جنبش‌های اجتماعی و سیاسی، از تحولات فکری مغرب زمین متأثر شده و نمونه آن مردانی است که برای آزادی و مشروطه خواهی مبارزه می‌کردند.

همچنین در گذشته، سلسله‌های اثرگذاری در تاریخ مانند صفویه و قاجاریه اساساً از آذربایجان ظهور کردند و حتی نادرشاه افشار، برای این که از اتحاد ایلات آن خطه خصوصاً ایل شاهسون بهره‌مند گردد، در دشت مغان تاج‌گذاری نمود تا وفاداری آنان را برای خود بدست آورد.

طبق نظریه دیرینه گراها، مسئله قومیت حائز اهمیت بسیار است و می‌تواند در شرایط حساس باعث پیوستگی و یکپارچگی اقوام هم نژاد که دارای ریشه تاریخی مشترکی هستند بشود. بدین خاطر نظری کوتاه بر اقوام منطقه که دارای ریشه تاریخی مشترک هستند می‌افکنیم (احمدی ح. ۱۳۷۸ ص ۲۰۵-۲۰۶).

مردم قفقاز و آذربایجان از نظر ریشه قومی، آلبانیایی و غیرترک و ترکیبی از اقوام بیش از آریایی‌های ایران، نظیر اورارتوها و آریایی‌ها نظیر مادها می‌باشند. این اقوام در آذربایجان پس از مهاجرت تدریجی اقوام ترک آسیای مرکزی مانند غزها و به خصوص سلجوقی‌ها و سپس تهاجم مغولان تحت تأثیر ایشان زبان ترکی را برگزیدند، که با زبان ترکی آسیای مرکزی تفاوت داشت و این اقوام علاوه بر زبان و ریشه نژادی از نظر شکل شناسی و حتی مذهب متفاوت هستند و این تفاوت بین مردم آذربایجان و ترکیه از نظر مذهب و زبان و حتی با برخی از ترک‌های ترکیه، از نظر ریشه قومی وجود دارد. (امیراحمدیان ب. ۱۳۸۸)

یکی از اقوامی که دارای مشترکات تاریخی با آذری‌ها هستند و معمولاً با یکدیگر همزیستی داشتند ارامنه می‌باشند و تعارض عمده ارامنه با آذری‌ها از زمانی آغاز شد که روس‌ها قفقاز را فتح کردند و روس‌ها به علت کمبود اراضی زراعی ارامنه را در قره باغ ساکن کردند. بدین ترتیب بافت جمعیتی منطقه و فرهنگ آن بهم می‌خورد و محدودیت زمین باعث درگیری‌های موجود بیشتر جنبه اراضی داشته و فاقد انگیزه مذهبی است، که امروزه شاهد این درگیری‌ها هستیم. زیرا هر دو کشور تازه به استقلال رسیده به مدت ۷۰ سال تحت تأثیر حکومت کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی سابق بودند و در نتیجه تعصبات مذهبی بسیار اندک دیده می‌شود.

مورد دیگر که قابل بحث است، اقوام دیگری که در آذربایجان وجود دارند می‌باشند، مانند لزگی‌ها، طالش‌ها و کردها.

لزگی‌ها با جمعیتی حدود یکصد و هشتاد هزار نفر از اقوام داغستانی هستند که در راستای سیاست‌های مرزبندی جمهوری‌ها تحت حاکمیت آذربایجان قرار گرفتند، لزگی‌ها برخلاف آذربایجانی‌ها دارای زبان لزگی از شاخه زبان‌های غیرترکی قفقاز و مذهب حنفی می‌باشند.

مشابه این مسئله قومی ولی با شدت کمتری در بین طالب‌ها و کردهای غیرترک است و فرهنگ و زبان فارسی در بین آنان مشهود می‌باشد. کردها در درگیری ارمنستان و آذربایجان در منطقه لاجین در اردیبهشت سال ۷۳ برخلاف وعده‌ای که به آذربایجانی‌ها داده بودند نه تنها در مقابل آرامنه مقاومت نکردند و چنین ادعا می‌شود که به آرامنه کمک کرده‌اند. همین مسئله حاکی از کمی تعلق خاطر ایشان نسبت به آذری‌ها است و در بین طالب‌ها نیز تجمع‌های جهت اجتماعی، با هویت فرهنگی طالبی تشکیل شده است.

جناح‌های روشنفکر آذربایجان و برخی از دولتمردان آن نظیر ابوالفضل ایلچی بیک با توجه به داشتن تفکرات پان‌تورانیستی در جهت احیای هویت فرهنگی و ملی ترکی در آذربایجان هستند و چنین برآورد می‌شود که این مواضع بیشتر برای بدست آوردن موقعیت سیاسی است.

البته باید در نظر گرفت که نوع نگرش و نقش‌هایی که ایرانیان در تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران داشتند، قابل ملاحظه است و خصوصاً در مورد ظهور گرایش‌های سیاسی محلی در آذربایجان ایران در طی ۱۰۰ سال اخیر شاهد ظهور فرقه‌های مختلف بودیم که حتی اعلام تشکیل جمهوری دموکراتیک آذربایجان قدمی در جهت مسیر جدائی بود.

اکنون با توجه به تغییراتی که در نظام بین‌الملل به وجود آمده و ساختار ژئوپولیتیکی منطقه تغییر کرده است، باید نکات زیر را در نظر گرفت:

۱) موقعیت دریای خزر به عنوان یک نظام فرعی ژئوپولیتیکی بین‌المللی مهم تثبیت شده و خصوصاً با منابع بسیار غنی که در دریای خزر وجود دارد.

۲) فروپاشی شوروی و مشکلات اقتصادی روسیه، موجب عقب ماندن این کشور و حتی مانع جاه‌طلبی‌های آن شده است. ولی موقعیت ژئوپولیتیکی روسیه در دریای خزر به تنهایی قدرت کافی در اختیار این کشور قرار می‌دهد که ادعای برتری نماید.

۳) کشورهای دیگر از جمله ایران نیز باید با توجه به حضور طبیعی خود در حوزه دریای خزر مدعی داشتن سهم عمده‌ای در تجارت انرژی و ژئوپولیتیکی منطقه باشند.

۴) موقعیت جغرافیایی ممتاز ایران به صورت عامل مهمی است که می‌تواند بر روابط خارجی اثر گذارد. بنابراین ایران باید برای تثبیت موقعیت ژئوپولیتیک و جایگاه خود سعی کند که تمام موانع را از پیش روی بردارد و در جهت تثبیت بیشتر موقعیت خود باشد.

جوتانچی و همکاران در مورد پایگاه نظامی آمریکا در جمهوری آذربایجان به بررسی پرداخته و اهمیت موانع را دقیقاً نمایان ساخته‌اند.

هم چنین در مجله جغرافیا: کاربردهای دفاعی دانشگاه امام حسین ۱۳۷۹ ۱۷۲-۱۷۳ تأکید دارد که آمریکا، ناتو و اسرائیل سعی در ایجاد منابع تهدید منطقه‌ای ایران دارند و یکی از این منابع آذربایجان است که از طریق گسترش ناتو و ایجاد پیوندهای سه گانه، آمریکا، ترکیه و اسرائیل سعی در کشاندن ناتو به پشت مرزهای ایران را دارند و آذربایجان به لحاظ شرایط انزوای ژئوپولیتیکی از این مسئله استقبال کرده و به نظر می‌رسد آمریکا و اسرائیل از آن پشتیبانی می‌کنند.

آمریکا با برنامه‌های پیش‌بینی شده در نظر دارد دریای خزر را به یک منطقه نظامی تبدیل کند، بدین خاطر با قراردادهایی که اسرائیل با ترکیه بسته راه را برای مشارکت ترتیبات نظامی که ناتو ممکن است برای منطقه دریای خزر در نظر بگیرد هموار کرده است و دلایل آن، دو رزمایش است که در تابستان ۱۹۹۷-۱۹۹۸ در منطقه خزر با شرکت یگان‌های نظامی آمریکا، قزاقستان، ترکمنستان، روسیه، جمهوری آذربایجان و ترکیه انجام گرفت و آمریکا سعی دارد روسیه را در ترکیبات نظامی جهان با خود هماهنگ و همگام نماید. مسئله قابل توجه این که ترکیه بدون داشتن حضور جغرافیایی در منطقه دارای نقش است و متأسفانه ایران با وجود این که حضور جغرافیایی دارد دارای نقش چندانی نیست (بدین خاطر اکنون مسئله رژیم حقوقی دریای خزر مطرح است)

مجتهدزاده ب در مجله آسیای مرکزی ۱۳۸۰ مقاله‌ای تحت عنوان دورنمایی از ژئوپولیتیک خزر بیان می‌دارد: ژانویه ۱۹۹۹ پایگاه نظامی آمریکا که در جنوب شرقی ترکیه بود به جمهوری آذربایجان (جزیره آبشوران دریای خزر) منتقل شد در ۲۰ فوریه ۱۹۹۹ رئیس جمهور آذربایجان اعلام کرد کشورش از وجود پایگاه‌های نظامی آمریکا استقبال می‌کند و بدین ترتیب اگر آذربایجان به ناتو بپیوندد تمام مرزهای شمال غربی ایران در محاصره ناتو در خواهد آمد.

نتیجه‌گیری

شروع قرن بیستم با یک سری تحولات مهم اجتماعی سیاسی در کل جامعه جهانی آغاز گردید. ایران نیز در این گذار تاریخی دچار تحول مهم سیاسی - اجتماعی شد و ساختار سیاسی آن تغییر نمود. قدرتی متمرکز و اقتدارگرا جایگزین قدرت غیرمتمرکز نسبی گردید.

تنها نتیجه آن متلاشی شدن ساختارهای سنتی منبع توانمندی جهت حفظ منطقه محسوب می‌شد گردید و دولت متمرکز شبه مدرن بدون داشتن فرهنگ مدرنیته و ایجاد پیش‌شرط‌های لازم جهت روند تحول یک جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی مدرن با ناکارآمدی روبرو گردید. زیرا این روند مبتنی بر شناخت ویژگی‌های تاریخی - اجتماعی - سیاسی مناسب جامعه مورد نظر برنامه‌ریزی نشده بود.

ریچارد تاپر در کتاب تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون می‌نویسد: "این کتاب روایتگر تاریخی یکی از اتحادیه‌های بزرگ ایلی ایران یعنی شاهسون‌های آذربایجان است که در میانه قرن بیستم عمر اتحادیه‌ی ایلی شاهسون به سر آمد، تغییری که تقریباً برگشت‌ناپذیر بود."

حال با توجه به پژوهش انجام گرفته به طوری که در متن مقاله اشاره شده است سوابق تاریخی نمایانگر این حقیقت است که عشایر در دفاع از کشور نقش تعیین کننده داشته اند و موقعیت جغرافیای انسانی ایران نیز همچون موزائیکی از قبایل و اقوام مختلف شکل گرفته که اکثراً در مناطق استراتژیک مملکت سکونت دارند و پستی و بلندی‌های ایران زمین را به خاطر وابستگی و ریشه‌داشتن در مناطق با تمام قوا حفظ نمودند.

حال با توجه به تغییراتی که در نظام بین‌الملل به وجود آمده و جغرافیای سیاسی منطقه نیز تغییر کرده است، یکی از کشورهای پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان می باشد که به لحاظ جغرافیایی، تاریخی، دینی، فرهنگی، زبانی و غیره دارای اشتراکات زیادی یا کشور ایران می باشد و همچنین وجوه مشترک بستر مناسبی را برای حضور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران فراهم ساخته است. علیرغم اینکه جمهوری

اسلامی ایران از جمله اولین کشورهای بود که استقلال سیاسی، اقتصادی و غیره جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت و تلاش‌های خود را در جهت ایجاد و گسترش مناسبات با آذربایجان آغاز کرد و در طول سالهای اخیر قراردادهای مهم سیاسی، فرهنگی، اقتصادی بین مقامات دو کشور ردو بدل شده، اما به نظر می‌رسد که یک نوع بی‌اعتمادی نسبت به یکدیگر در دو طرف وجود دارد و همین بی‌اعتمادی باعث شده است با وجود مشترکات فراوان بین دو کشور و تمایل ظاهری به ایجاد روابط در ۳۳ جولای ۲۰۰۱ درگیری نظامی ایران و آذربایجان برای اولین بار در دریای خزر در ۱۵۰ کیلومتری جنوب شرقی که طی آن یک کشتی جنگی ایرانی از ادامه حرکت یک شناور که در حال عملیات اکتشاف نفت بود جلوگیری کرده. در ۲۰ آگوست ژنرال حسین کیوریک اوغلو رئیس مرکز فرماندهی ارتش ترکیه به باکو برای یک دیدار رسمی سفر کرد، این عمل در رسانه‌های ترکیه به عنوان اثبات حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان انعکاس یافت و موجب آن شد که تهران از دخالت ترکیه در روابط دو جانبه ایران و آذربایجان انتقاد کند. این رویداد دلیلی است بر وجود فضای بی‌اعتمادی در روابط سران دو کشور که سالیان متمادی وجود داشته از جمله (۱) وجوه اختلافات ایدئولوژیک.

(۲) اختلافات در زمینه بهره‌برداری از منابع هیدرو کربوری دریای خزر که پایه حقوقی دارد.

به هر حال از بعد امنیتی سیاست‌های جمهوری آذربایجان در قوم‌گرایی دو سویه ارس مهمترین مسئله تاثیرگذار بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در حالی که مقامات آذربایجانی پیرو سیاست‌های پان‌ترکیستی سخت از این موضوع حمایت می‌کنند و در رفتار سیاسی خود به دنبال عملیاتی نمودن افکار خود هستند اما واقعیت حکایت از این دارد که ما (آذربایجانیان دو سوی ارس) هرچند زبانمان یکی است و تاریخ مشترکی را پشت سر گذاشته ایم، اما دنیاها مان سخت با یکدیگر بیگانه است (Swietochowski, 1985: 223).

باید در نظر داشت در صورت تبدیل آذربایجان به کشوری پیشرفته با توجه به توانمندی‌های طبیعی گسترده‌اش، این دولت کانون جاذب اقتصادی برای تقویت همگرایی جمعیت‌های جنوب ارس خواهد شد. و همچنین حمایت‌های ایالات متحده، اروپا و ترکیه و همچنین وابستگی آذربایجان به فناوری رژیم صهیونیستی باعث شده تا در همه سطوح روابط دو کشور هر ساله توسعه یابد و این همکاریها برای باکو ارزش به حساب می‌آید و تل‌آویو به دنبال اهداف دیگری است و جمهوری آذربایجان را صرفاً "از مقوله اقتصادی و همکاری صنعتی نگاه نمی‌کند. عموماً" توجه این کشور به آذربایجان امنیتی است، زیرا آذربایجان در شمال ایران واقع شده و رژیم صهیونیستی با توجه به همجواری آذربایجان با ایران به این مسئله به صورت ویژه‌ای توجه دارد (www.arannews.ir, 1390).

با جمع‌بندی از دلایل ذکر شده جای دارد که ایران برای تثبیت موقعیت ژئوپولتیک خود و بادر نظر داشتن هم‌مرزی با جمهوری آذربایجان و تحولات موجود در آن کشور باید سیاست‌گذاری دقیق و همه‌جانبه را پیش‌گیرد. از جمله برنامه‌ریزی‌های منسجم در جهت تقویت عشایر که وفاداری خود را به مرز و بوم در طول تاریخ به اثبات رسانده‌اند و از ایجاد هرگونه تبعیض در ابعاد مختلف جلوگیری کند. در این خصوص سوالاتی پیش می‌آید که قابل بررسی و تعمق است:

۱- سیاست دولت فقط بر پایه‌ی اهداف اقتصادی در منطقه است یا ملاحظات سیاسی نیز در کار می‌باشد.

۲- آیا سیاست دولت دو قطبی بودن شرایط اجتماعی یعنی هم‌جواری بهترین و بدترین شرایط زندگی در منطقه را پذیرا می‌شود.

تمامی این سوالات و بی‌جواب ماندن آنها باعث شده که ساختار اجتماعی نظام ایلی بیشتر از گذشته دچار شکنندگی و از هم پاشیدگی شود.

با یک بررسی دقیق از منطقه موقعیت استراتژیک بسیار حساس آن نمایان می‌گردد. بدین لحاظ اهمیتی که افراد شجاع به عنوان عوامل غیرپدافندی دارای نقش پدافندی قوی در مسایل مرزی دارند، آشکار می‌گردد. بدین جهت یک برنامه‌ریزی دقیق در راستای حفظ و حراست مناطق مورد نظر با ویژگی‌های خاص خود را می‌طلبد. لذا پیشنهاداتی را نویسنده ارائه می‌دهد.

پیشنهادات

مسئلاً تاکنون پیشنهادات بسیاری جهت حل معضلات موجود در منطقه ارائه گردیده است که به نظر نویسنده راه حل‌های منحصر به فرد نیستند؛ اما برای حل مشکلات با توجه به اولویت‌های منطقه از ابعاد مختلف، مانند مسائل استراتژیک، امنیتی، اقتصادی و غیره باید اقدام کرد که اجمالاً به ذکر بعضی از راه‌ها می‌پردازیم.

پیشنهادات بر ۳ محور اقتصادی، امنیتی و اجتماعی است که هر سه محور برای پیشرفت منطقه با توجه به حساسیت موضوع از نظر استراتژیک حائز اهمیت است و سازمان‌های اجرایی با توجه به موضوع باید امکانات اعتباری، پرسنلی در جهت فوریت حل مسئله به انجام برنامه‌ریزی دقیق بپردازند.

۱) با توجه به عدم اعتمادی که در سال‌هایتمادی گذشته بین عشایر منطقه و دولت‌های وقت وجود داشته است باید برای حل معضلات روش مشارکت مردمی را پایه‌گذاری نمود و وجود نمایندگان عشایر در حل معضلات شاید ره‌گشائی سودمند باشد (مانند سهیم کردن کارگران عشایری در کشت و صنعت)

۲) با توجه به حاد بودن مشکلات، پیشنهادات باید بر محورهای اقتصاد منطقه‌ای و هماهنگی آن با اقتصاد ایل فراموش نگردد.

۳) جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی که خود باعث معضلات فراوان در منطقه شده است نیز باید به دقت بررسی گردد و با استفاده از صاحب‌نظران و عشایر شناسان، باید برنامه‌های فرهنگی دقیق پی‌ریزی شود که قابلیت دفع از برنامه‌های فرهنگی که از آن طرف مرز از طریق ۶ کانال به طور شبانه‌روزی پخش می‌کند و سعی دارد فرهنگ خود را بر جامعه شهری - روستایی - عشایری منطقه که هنوز پایبند فرهنگ خود هستند و حتی آداب و فرهنگ شهرهای بزرگ را هضم نکرده‌اند تحمیل نمایند، داشته باشد. با توجه به برنامه‌ریزی‌های دقیقی که در آن طرف مرز انجام می‌شود و با توجه به خواسته‌های جوانان و کمبودهای موجود، جداً می‌تواند قشر جوان را متأثر از فرهنگ خود بنماید.

منابع

- احمدی، ح. (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴). روابط ایران و جمهوری آذربایجان، نگاه آذری‌ها به ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- اردلان، ظ. (۱۳۵۰). نظام خانوادگی در ایل شاهسون - کنگره مردم‌شناسی دانشگاه تهران - دانشکده علوم اجتماعی و تعاون ۱۳۵۲
- بیات، فرهاد (۱۳۸۳). دیدگاه‌های حیدر علی اف نسبت به جمهوری اسلامی ایران، باکو: سفارت جمهوری اسلامی ایران
- افشار، ا. (بی تا). ایل بزرگ شاهسون - مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها - چادر نشینان و طوایف عشایری ایران - فصل چهارم ایل بزرگ شاهسون - ص ۷۷-۱۰۲
- تاپرز، ر. (بی تا). شاهسون (قره قویونلوها - آق قویونلوها) ترجمه وهرام، م. عشایر ایران
- تاپرز، ر. (۱۳۸۴). تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان. ترجمه اسدی. نشر اخوان.
- تلویزیون، صدا و سیما، شبکه ۱ تلویزیون، چهارشنبه ۱۳۶۷/۹/۲۳ (بیست و سوم آذر ۶۷) ساعت ۱۹/۵ - آمار ۶۵-۶۶. ثابتی، ح. (بی تا). بررسی اقلیم شبانی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رسول زاده، محمد امین (۱۳۸۰). جمهوری آذربایجان، چگونگی شکل‌گیری و وضعیت کنونی آن، ترجمه تقی سلام زاده، انتشارات: شیرازه
- شاهسون، پ. (۱۳۷۹). بررسی مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایل شاهسون انتشارات عشایری. صدیقی، م. شناخت مقدماتی ایل «شاهسون» و مجموعه مقالات مردم‌شناسی «دفتر دوم» ص ۸۱-۹۶. طباطبایی، سیدحسین (۱۳۸۴). ژئوپلتیک آذربایجان، تهران: نشر سپید.
- عباسی معروفان، ح. (۱۳۶۷). ایلسون‌های آذربایجان، ذخایر عشایری، فصلنامه عشایری، شماره سوم، تابستان
- عزیزی، پ. (۱۳۸۷). بررسی ساختار اقتصادی - اجتماعی ایل شاهسون. تهران: نشر قومس.
- قلمی، ع. (۱۳۷۶). مغان در گستره تاریخ، انتشارات فرشاد
- کشت و صنعت مغان در عرصه تلاش. زیتون (مجله علمی - تخصصی وزارت کشاورزی) - شماره ۹۱، ۲۳ تیرماه ۱۳۶۸، ص ۱۲.
- کیاوند، ع. (۱۳۶۸). حکومت، سیاست و عشایر. انتشارات عشایری.